

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: روابط خارجی حزب کار ایران(توفان)

۱۱/۰۳/۰۴

## ضد انقلاب در شمال افریقا بسیج می کند

### هرگونه اشغال و تجاوز به خاک لیبی محکوم است

مبارزه اعراب که خویش را از قید و بندهای سنتی عقب مانده خلاص می کنند و در پی ایجاد یک جامعه دموکراتیک هستند ابعاد وسیع و قابل احترامی به خود گرفته است. این مبارزه در عین حال مرگ تئوریهای "اسلام سیاسی" و نابودی تحریکات فاشیستی اسلام سنتیزی را در ممالک امپریالیستی به رهبری صهیونیستها به همراه دارد. یاران ساموئل هانتینگتون در جهان و پیروان منصور حکمت در ایران باید در خدمت به صهیونیسم جهانی رنگ دیگری به خود بگیرند.

مبارزه اعراب نه تنها مبارزه ای برای کسب حقوق دموکراتیک بلکه مبارزه ای برای بهبود شرایط زندگی، مبارزه ای علیه امپریالیسم و صهیونیسم و استقلال کشور، مبارزه ای به ضد فساد و رشوت خواری، مبارزه ای برای حق تعیین سرنوشت انسانها در این ممالک است. مستبدین فاسد و ستمکار که مورد حمایت امپریالیستها و صهیونیستها در این ممالک بودند و همپالکی هایشان هنوز هم هستند یکی بعد از دیگری فرو می ریزند. پرده از ثروتهای کلان آنها برداشته می شود و معلوم می گردد تا چه درجه ای فاسد بوده اند.

مبارزه مردم لیبی برای کسب این حقوق با مقاومت قذافی روبرو شد و به همین جهت این مبارزه تعمیق یافت و تا سرنگونی رژیم مستبد قذافی ادامه خواهد داشت. این رژیم استبدادی و ضد دموکراتیک حاضر نیست به راحتی از منافع خویش دست بردارد و تا جایی می رود که در مقابل خلق قهرمان لیبی برخاسته و سرزمین لیبی را به جنگی تمام عیار بکشانند و مردم را قتل عام کند.

در این واکنش دولت لیبی یک نکته جلب نظر می کند که در بسیاری از حکومتهای استبدادی خاورمیانه جنبه مشترک دارد. باند حاکمیت در این کشورها، مردم کشور خویش را صاحب کشور ندانسته بلکه خود را مالک کشور می دانند و با مردمشان مانند رعایا رفتار کرده و حقوقی برای آنها قایل نیستند. در لیبی نه قانون اساسی وجود داشته و نه فرماندهی ستاد ارتش. قذافی به اساس میل و اراده شخصی خویش حکومت می کرده است و خود را مرکز همه تصمیم گیرها قرار داده بوده است. از همه حساب می خواسته بدون اینکه به کسی حساب پس دهد. مقامات دولتی به

اساس میل وی برگمارده می شدند. خودش و فرزندان در فرای قانون قرار داشتند و وی با قدرت مادی حاصله از پول نفت که در اختیار داشت حتی اراده خانواده خویش را در مواردی به سایر ممالک نیز تحمیل می کرد. وی اگر یک عمامه سرش می گذاشت هم ردیف ولی فقیه در ایران بود. این دوری از واقعیت و گم شدن در میان چاکرمنشان بی شخصیت و بزدل که همه دست پروردگان شخص مستبد محسوب می شوند مستبد را روز به روز بیشتر به اعماق بی خبری سوق می دهد.

ولی قذافی پس از فروپاشی امپراتوری شوروی که تکیه گاه خویش را برای مانور از دست داد برای حفظ قدرت خود دیگر نمی توانست بر رقابت ابرقدرتها تکیه کند و لذا به غرب نزدیک تر شد. در کادر نزدیکی به غرب بود که امپریالیستها در زمان حکومت تونی بلر و جرج بوش وی را به هرگونه همکاری و خفت و اداری کردند. وی به بسیاری عملیات تروریستی صحنه گذارد که حداقل هنوز در مورد سقوط هواپیمای لاکربی همه واقعیت روشن نشده است. وی مأمورین سازمان جاسوسی خویش را که بر بی گناهی خویش اصرار می ورزیدند به دولت انگلستان تحویل داد و نشان داد که با این اقدام بی سابقه در جهان تا به چه حد فعال مایشاء در کشورش بوده و جان اتباع لیبی برایش بی ارزش و بی اهمیت است و حاضر است آنها را برای منافع شخصی خویش قربانی کند. به فرض اینکه مأمورین جاسوسی لیبی در عملیات تروریستی دخیل بوده باشند این کار را سرخود انجام نداده اند. مأمورینی بوده اند که دستورات مقامات بالا را اجراء کرده اند. حال قربانی کردن آنها بیان بی حقوقی و نظامی متکی بر اراده شخصی مستبد بزرگ است. مستبندی که اداره کشور به هوی و هوس وی و خلق و خوی روزانه وی بستگی دارد.

وی برنامه هسته ای خویش را با فشار امپریالیستها تعطیل کرد و با بی شرمی این تسلیم به امپریالیستها را به عنوان پیروزی مردم لیبی جا زد. امپریالیستها که توجه داشتند که قذافی تا به چه حد برای حفظ قدرت خانواده خویش حاضر به پذیرش خفت و خواری است وی را در مقام خود تسجیل کردند و بر ثروتها و دزدیهای وی چشم پوشیدند. هم اکنون که دوران مصرف وی به پایان رسیده است تنها دولت اتریش اعلام کرده است که قذافی یک میلیارد یورو در بانکهای اتریش دارد. بانکهای سوئیس از یک فقره از رقمی معادل ۴۹۰ میلیون یورو و از یک فقره دیگر از رقمی در حدود ۶/۵ میلیارد فرانک سوئیس سخن می رانند. در کنار این دولت لیبی ۳۲ میلیارد دلار در بانکهای آمریکائی سرمایه گذاری کرده است. زندگی خانواده قذافی بریز و بپاش و مملو از خوشگذرانی و ضیافتهای آنچنانی با در آمد نفت مردم لیبی است. در لیبی بر مبنای گزارشات مطبوعات حسابهای شخصی افراد خانواده قذافی و بودجه مملکت دارای مرز مشخص و معینی نیستند. و این تازه بخشی از دزدیهای این خانواده است که برملا شده است. تو گوئی امپریالیستها تا دیروز آنها را نمی دانستند.

از فردای توافقات با امپریالیستها سیل هجوم سران غرب از آلمان و فرانسه و انگلستان و ایتالیا و امریکا به لیبی شروع شد و آنها در شیپورهای تبلیغاتی خویش دمیدند که لیبی به دنیای متمدن بازگشته است. لیبی مستبد و جنایتکار به یک باره مجلسی و قابل احترام شد. همین یک فقره نشان می دهد که امپریالیستها و این آقایان و خانمهای "متمدن" تا به چه حد ریاکارند و با ماشین تبلیغاتی خویش به فریب مردم جهان مشغولند.

ایتالیا بهترین روابط را با لیبی برقرار کرد. دولت لیبی از در آمد نفت بدون حساب و کتاب و گزارش به مردم تنها بر اساس تصمیم شخصی و روابط حسنه با برلوسکنی رئیس دولت ایتالیا در شرکت نفت انی در کارخانه فیات در تیم فونتبال یونتوس تورین، در کارخانه نساجی اولسز، شرکت تلفن رتلیت، بانک یونی کردیت و شرکت اسلحه سازی فین مکانیکا... سرمایه گذاری کرد. وی در سفرش به ایتالیا در چادر خودش زندگی می کرد و برلسکونی ۲۰۰ مانکن دلربا را برای آموزش قرآن شبها به چادر قذافی اعزام می کرد. فصاحت اخلاقی و توهین به افکار

عمومی و آموزش گانگستریسم به عنوان روشی در تسلط بر مردم و توجیه کثافتکاری از سرپای این روشهای "متمدنانه" می بارد.

یکی از توافقاتی که با رژیم لیبی صورت گرفته است پرداخت صدها میلیون یورو از طرف اتحادیه اروپا به دولتهای شمال افریقا به ویژه لیبی است تا این دولت مانع رسیدن هجوم پناهندگان "کثیف" افریقای سیاه و گرسنه به سر زمین "تمیز" و متمکن اروپا بشود. هجوم ده ها هزار از پناهندگان افریقائی که خطر مرگ را به جان می خریدند تا به سرزمین شیر و عسل برسند مشکلات فراوانی برای اتحادیه اروپای "بشر دوست" و به ویژه ایتالیا فراهم کرده بود. در بادی امر با غرق چند کشتی و صحنه سازی خواستند از ادامه این هجوم جلو بگیرند که این سیاست با توجه به زندگی بدتر از مرگی که مردم در افریقای استعمار زده دارند نا موفق ماند. هیچکس برای آن کشته شدگان "متمدنانه" اشک نریخت. تیرباران هزاران افریقائی در مقابل چشمان مردم جهان و افکار عمومی البته در زمان صلح مقدور نبود. باید نوعی آدمکشی را اختیار می کردند که "انسانی" بوده و در مقابل دید داورى وجدان عمومی قرار نداشته باشد. نشریه لوموند دیپلماتیک در شماره اپریل ۲۰۰۸ تحت عنوان "پناهندگان گریخته از گرسنگی" به قلم جان سیگلر Jean ZIEGLER می نویسد: "... اروپا، برای دفاع از خود در مقابل این مهاجرین، سازمان نظامی نیمه مخفی ای به نام "فرون تکس" (محافظ مرز) به وجود آورده است. این سازمان «مرزهای خارجی اروپا» را اداره می کند.

آنها دارای کشتی های سریع السیر و مسلحی هستند که می توانند حرکت قایق ها را در وسط دریا متوقف سازند و همچنین مجهز به هلیکوپتر های جنگی، ناوگانی از هواپیما های مراقبتی هستند که مجهز به دوربین های بسیار حساس و دقیق با دید شب، رادار و ماهواره و دیگر تجهیزات سطح بالای مراقبت های الکترونیکی از فاصله دور نیز هستند.

"فرون تکس" همچنین، در خاک افریقا اردوگاه هایی برای نگهداری پناهندگان گرسنگی که اغلب از کشور های افریقای مرکزی، شرقی و یا افریقای استرال، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، برون دی، کامرون، اریتره، مالاوی، زیمبابوه... می آیند، ساخته است. آنها اغلب، یکی دو سال در داخل قاره افریقا در راه اند و به طرق موقتی امرار معاش می کنند و از مرزهای داخلی عبور کرده و به تدریج تلاش می کنند خود را به یکی از این سواحل برسانند. به محض رسیدن به این سواحل، مأمورین فون تکس و یا همکاران محلی شان آنها را متوقف و دستگیر می کنند و از رفتن آنها به سمت بنادر آتلانتیک و یا مدیترانه ممانعت به عمل می آورند. با در نظر گرفتن مبالغ هنگفتی که فرون تکس به رؤسای کشور های افریقایی می پردازد، تعداد کمی از این مسؤولان مانع ایجاد این اردوگاه ها می شوند."

قذافی عامل آنها در تحقق این سیاست در شمال افریقا بود. قداره بندان قذافی که ارتشش از خارجیان و مزدوران ترکیب یافته است اردوگاههای بزرگی در جنوب لیبی برپا کردند و مهاجران افریقائی را دستگیر کرده و در این اردوگاهها که فاقد حداقل وسایل زندگی است حبس می کردند. اردوگاههای قذافی که با یاری امپریالیستها و مهر تأیید آنها برپا شده بود مانند اردوگاههای نازیها بود. ولی تا به امروز کسی از این اردوگاهها سخنی نمی گفت که با پول اتحادیه اروپا برای نقض صنعتی و سیستماتیزه حقوق بشر به وجود آمده بود. قذافی برای اروپا تضمین دور نگهداشتن پناهندگان از اروپا و آرایش چهره "بشر دوست" امپریالیستها بود.

حال این رژیم در خطر سقوط است. سقوط قذافی عواقب وخیمی برای غرب دارد. سیل پناهندگان به اروپا سرازیر می شود. بساط اردوگاههای نازی در صحرا برچیده می شود. کاهش تولید نفت و گاز به افزایش بهای نفت در بازار

بورس و افزایش بهای زندگی در جهان و کاهش قدرت خرید مردم ممالک صنعتی غرب منجر می شود. به رشد اقتصادی اروپا صدمه می زند. امپریالیستها یکی از متحدین مستبد خود در شمال افریقا را از دست می دهند و معلوم نیست رژیم بعدی که در لیبی بر سر کار می آید تا چه حد همدست امپریالیسم و صهیونیسم است و منافع دراز مدت آنها را در شمال افریقا تأمین می کند.

مدتها طول کشید تا امپریالیستها بر سر ادامه حمایت از قذافی تصمیم گرفتند. آنها ترجیح می دادند که قذافی با سرکوب مردم سر کار بماند و در بر همان پاشنه قبلی بگردد. ولی مبارزه انقلابی مردم لیبی که به شدت از مبارزات سایر ملت‌های عرب تأثیر می پذیرفت، ادامه پیدا کرد و منافع غرب را در وضعیت خطرناکی قرار داد. آنها تصمیم گرفتند که کار لیبی را یکسره کنند زیرا کمبود تولیدات سوخت لیبی را نمی شد برای دراز مدت از طریق عربستان سعودی تأمین کرد. تازه وضعیت خلیج فارس، بحرین، عمان و عربستان سعودی نیز هنوز از ثبات کامل برخوردار نیست. از این تاریخ است که زمزمه تجاوز به لیبی تحت عنوان حمایت از حقوق بشر و ممانعت از کشتار قومی بر سر زبانها افتاده است.

به یک باره حسابهای خصوصی قذافی و فهرست عیاشیهای فرزندانش در اروپا و کارائیب و ... رو شد. به یک باره دوست قدیم آنها دیوانه و بیمار روانی اعلام شد که حقوق بشر را به زیر پا می گذارد.

آنگاه تصویری از دنیای بدون نفت بعد از لیبی ترسیم شد که دل هر اروپائی و امریکائی را خالی کند و وی را از نظر ذهنی برای یک تجاوز مستقیم به لیبی و اشغال آن به بهانه حمایت از حقوق بشر آماده گرداند. ولی واقعیت آن است که مبارزه مردم لیبی علیه حکومتشان یک مبارزه داخلی است و فقط به مردم لیبی مربوط می شود و هیچ کشوری حق دخالت با نیروی نظامی در داخل خاک لیبی را ندارد. این نه تنها مبتنی بر موازین به رسمیت شناخته شده جهانی است بلکه از نظر عملی نیز مانع آن می شود که نیروهای گوناگون خارجی که منافع متفاوتی با هم دارند با پیاده کردن نیرو در یک کشور مستقل، آن کشور را به صحنه زورآزمائی و رقابت های خویش بدل کنند و خود را زیر نقاب دفاع از حقوق بشر ببوشانند. حقوق بین الملل فقط در مورد کشتار قومی اصل دخالت یک مرجع جهانی را در صورت به تصویب رسیدن در سازمان ملل به رسمیت می شناسد.

ولی مبارزه ای که در لیبی در گرفته است کشتار قومی نیست مبارزه میان ملت لیبی و طبقه حاکمه آن است. کشتار قومی یعنی آنکه ملت و یا گروه اجتماعی بزرگی را تنها به علت تعلق به یک مذهب و یا نژاد و یا ملت و نظایر آن به قتل برسانند. مانند کشتار یهودیان در زمان نازیها و یا سرخپوستان در امریکا و ... البته این تبلیغات به زودی خاموش شد زیرا بر سر آن میان قدرتهای امپریالیستی در شورای امنیت به دلیل نتایج خطرناک آن در جهان و زمینه سازی عوامفریبانه برای تجاوز به هر کشوری در آینده توافقی حاصل نشد. از آن تاریخ تنها در رسانه های گروهی تبلیغ می شود که قذافی ملت خویش را از بین می برد.

لیکن امپریالیستها از اهداف خویش دست نکشیده اند. کشتیهای جنگی آنها در دریای مدیترانه به بنادر لیبی نزدیک شده و هواپیماهای مسافربری و جاسوسی و نظامی آنها در خاک لیبی فرود آمده اند و نیروی سرّی پیاده کرده اند. بهانه آنها حفظ جان اتباع آنهاست که گویا تا کنون در فرودگاهها و بنادر لیبی در انتظار کمک به سر می برند. صحت این ادعا ها را نمی توان ثابت کرد ولی به طور یقین بعد از هفته ها که از سرکوبها و مبارزات مسلحانه در لیبی می گذرد به یقین می توان گفت که این تبلیغات دروغی بیش نیست و یک جنگ تبلیغاتی برای آمادگی افکار عمومی برای تجاوز و اشغال لیبی به بهانه حفظ جان اتباع اروپائی است. در کنار آن مدعی می شوند که دولت

قذافی می خواهد علیه مردم کشورش از گاز سارین استفاده کند و آنها را به قتل برساند. به یک باره یک همدست سابق قذافی در کانادا به سخن آمده می گوید: "ایهاب المسماری 'دیپلمات ارشد لیبیانی در کانادا گفت:

ترس از آن دارم که رژیم سرهنگ معمر قذافی برای سرکوب انقلاب مردمی لیبی، دست به استفاده از سلاح های نامتعارف مانند گاز سارین بزند." تصویرهای وحشتناک و تکان دهنده ای ترسیم می شود تا زمینه تجاوز به لیبی فراهم شود.

در اقدامات نخستی که در شورای امنیت برای فشار به لیبی به انجام رسانده اند عمق مودیگری امپریالیستها برملا می شود.

پولها و حسابهای خانواده قذافی و دولت لیبی ضبط می شود تا نتواند از آن برای خرید اسلحه و یا استخدام مزدور استفاده کند.

این استدلال مسخره است زیرا دولت لیبی به حد کافی اسلحه دارد و نیازی به خرید اسلحه ندارد. برای نفروختن اسلحه به دولت لیبی نیازی به ضبط پولهای مردم لیبی نیست می توان از ارسال آنها از ممالک امپریالیستی به خاک لیبی خودداری کرد. دولت لیبی حتما به اندازه کافی پول نقد دارد تا بتواند دستمزد ناچیز مزدوران افریقائی را بپردازد و چند صبحی بیشتر در قدرت بماند.

واقعیت این است که هدف از این کار بالا کشیدن ثروت مردم لیبی و تحت فشار گذاردن حکومت آتی لیبی است تا تحت فشار بوده و تسلیم امپریالیستها شود. اگر صمیمیتی در کار بود همه بانکهای ممالکی که ثروتهای مردم لیبی در آنها انبار شده است فهرست آنها منتشر کرده در اختیار افکار عمومی گذارده و تعهد می کردند که این پولها را به دولت منتخب دموکراتیک مردم لیبی باز پس دهند. در حالیکه در اینجا سخن بر سر بالا کشیدن آن است. همان کاری که با حسابهای بانکی مردم ایران بعد از سقوط شاه کردند و اموال ایران را مسدود نمودند.

نکته بعدی که به تصویب رسانده اند این است که خانواده قذافی نمی تواند خاک لیبی را ترک کند و در جایی تقاضای پناهندگی کند. این امر نه تنها راه فرار وی را می بندد و باعث می شود که تا آخرین قطره خون مبارزه کند و وحشیگری نماید تا راه تجاوز خارجی را توجیه کند بلکه این خاصیت را هم دارد که وقتی خود و خانواده اش کشته شدند حسابهای ثروت آنها معلوم نیست و بانکهای امپریالیستی آنها را درسته بالا می کشند.

مصوبه دیگر آنکه از ورود اسلحه به لیبی جلوگیری می شود. معنی این مصوبه آن است که باید با محاصره سیاسی، اقتصادی و جغرافیائی لیبی مانع از آن شد که مردم لیبی احتمالا به اسلحه از بیرون که از ممالک منطقه ارسال شود دست پیدا کنند. رژیم حاکم در لیبی که سراپا مسلح است نیازی به اسلحه ندارد. آنها به اندازه کافی اسلحه دارند. این مصوبه در واقع به ضد مردم لیبی از دستیابی آنها به اسلحه و برای ممانعت از مقابله آنها با اشغال خاک لیبی توسط نیروهای خارجی است.

امپریالیستها به بمباران هواپیماهای لیبی برای سرکوب مردم اشاره می کنند و می خواهند به بهانه دلسوزی برای مردم فضای لیبی را برای پرواز هواپیماهای قذافی به گفته آنها ببندند. معنی این امر از نظر نظامی این است که هواپیماهای آواکس بر فراز خاک لیبی به پرواز در آیند. ماهواره های جنگی به کار افتند و کشتیهای جنگی با آتشبارهای ضد هوایی و موشک در بنادر لیبی پهلو بگیرند و هواپیماهای لیبی را مورد هدف قرار دهند. این به معنی شرکت مستقیم ناتو در جنگ است و به ضد کشوری به کار می رود که به هیچ کشور عضو ناتو تجاوزی نکرده و خطری از جانب وی برای تجاوز به اعضاء ناتو وجود ندارد. این امر طبیعتا یک تجاوز و جنگ است که زمینه را برای همه تجاوزات بعدی در سراسر جهان آماده می کند. این جنگ سرمشی برای تجاوز به حق حاکمیت

ملی و تمامیت ارضی همه کشورهای غیر متعهد جهان است. این جنگ برپا داشتن جنگ جدیدی مانند جنگ در افغانستان و ایجاد عراق دیگری در جهان است. این جنگ همان جنگی است که برای ایران تدارک دیده بودند و با شکست روبرو شد و حال در شرایط جدید جهانی می خواهند آنرا باب میل مردم کرده و افکار عمومی را فریب دهند. ریاکاری آنها در این است که صدها هزار نفر را می کشند، کشوری را اشغال می کنند و منابع طبیعی اش را غارت می نمایند و به کشتار قومی دست می زنند و آن را تحت نام حمایت از حقوق بشر انجام می دهند.

ادامه جنگ داخلی در لیبی می تواند سطح مبارزه مردم را ارتقاء دهد خواسته های آنها را افزایش و گسترش و تعمیق دهد. آنها را سازمان دهد که مهار این مبارزات در آینده با توجه به رشد آگاهی ملی و انقلابی برای امپریالیستها سخت خواهد بود.

امپریالیستها می خواهند نفت لیبی را در دست داشته باشند که بتواند "آزادانه" به سمت اروپا با بهای نازل و بدون کنترل جریان پیدا کند. آنها به یک لیبی مستقل و انقلابی نیازی ندارند. آنها نمی خواهند که لیبی به پایگاهی برای نیروهای انقلابی بدل شود و در شمال افریقا به مانع بزرگ تأمین منافع امپریالیستها بدل گردد. امپریالیستها می خواهند با اشغال لیبی رژیم موافق خود را بر سر کار آورند و مانع شوند از درون جنبش انقلابی مردم یک رژیم مردمی بر سر کار آید. آنها در پی تجاوز آشکار به لیبی هستند.

یکی از مبارزان انقلابی لیبی به درستی بیان کرد که اگر خارجیها می خواهند به ما کمک کنند مانع شوند که هواپیماهای قذافی ما را بمباران کنند و به ما اسلحه بدهند تا ما خودمان با رژیم خودمان تسویه حساب کنیم ما اشغال خارجی را نمی پذیریم. و ما اضافه می کنیم اگر آنها ذره ای وجدان داشته باشند و ریگی در کفششان نباشد باید اسلحه های ضد هوایی در اختیار مردم لیبی قرار دهند تا خود آنها هواپیماهای قذافی را هدف قرار دهند. به مردم اسلحه برسانند تا آنها خودشان حاکمیت ارتجاعی قذافی را سرنگون کنند و نه اینکه در شورای امنیت تصویب کنند کسی حق ندارد به لیبی اسلحه ارسال کند.

مواضع حزب ما در این عرصه روشن است. ما اشغال خاک لیبی را توسط امپریالیستها محکوم می کنیم و آنرا خنجری بر پشت مبارزات استقلال طلبانه و دموکراتیک مردم لیبی می دانیم. مبارزه ای که در لیبی در جریان است یک امر داخلی است و این مردم لیبی هستند که باید به عمر سلطنت دربار قذافی پایان دهند. هر نیروی مدافع حقوق بشر باید از مبارزه مردم لیبی حمایت کند و نه از اشغال لیبی.

**زنده باد مبارزه خلق لیبی برای آزادی و عدالت اجتماعی!**

**دست امپریالیستها از لیبی کوتاه باد!**

**پیروز باد نبرد خلقهای عرب علیه ارتجاع، صهیونیسم و امپریالیسم و عمال داخلیشان!**

**حزب کار ایران (توفان)**

**پنجشنبه یازدهم اسفند ۱۳۸۹**

**[www.toufan.org](http://www.toufan.org)**

**[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)**